

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال دوازدهم، شماره ۲۴، پائیز و زمستان ۱۳۹۶-۲۰۱۷-۲۴۴

ثبات خانوادگی و تداوم زندگی زناشویی: مطالعه‌ای کیفی در شهر شیراز

نجمه بخشی زنجیرانی^۱

ملیحه علی مندگاری^۲

چکیده

عوامل مختلفی به صورت درهم تنیده از دوران قبل از ازدواج تا به هنگام انتخاب همسر و طی مراحل مختلف زندگی مشترک در موفقیت و پایداری زندگی زناشویی نقش ایفا می‌کنند. این پژوهش با هدف واکاوی بازدارنده‌های طلاق از دیدگاه زنان متأهل شهر شیراز در پی جستجوی زمینه‌های ثبات خانوادگی و دلالت‌های تداوم‌بخش زندگی مشترک آنان است. مشارکت‌کنندگان پژوهش کیفی حاضر ۲۰ زن متأهل هستند که به روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختارمند بود. تحلیل داده‌ها با کمک روش نظریه زمینه‌ای اشتروس و کوربین انجام گرفت که شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی بود. ازدواج مناسب و امنیت زناشویی شرایط علی‌ایجادکننده خانواده کارآمد و بهنجار هستند. شیوه صحیح همسرگزینی و زمینه‌های تربیتی و حمایتی والدین به عنوان شرایط زمینه‌ای و مدیریت رسانه و فضای مجازی و مراقبت‌های اخلاقی زوجین به مثابه شرایط مداخله‌گر،

۱ کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه یزد، bakhshi.najmeh98@gmail.com

۲ استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، (نویسنده مسئول)

حضور زنان متأهل را درون زندگی مشترک تداوم بخشیده‌اند. راهبرد کنش زنان متأهل در تلاش برای ایجاد یک خانواده کارآمد و بهنجار، تحمل سختی‌ها و شرایط دشوار زندگی با مدیریت مناسب شرایط بحرانی و نیز از طریق همراهی و حمایت متقابل زوجین از یکدیگر است. پیامد تمامی این شرایط و کنش‌های فعالانه، انعطاف‌پذیری، پویایی و انسجام بالای خانوادگی است که نهاد خانواده را از هجوم تلاطم‌ها و ناملایمات زندگی به سرمنزل آرامش و ثبات رهنمون می‌شود.

واژگان کلیدی: زنان سازگار، خانواده کارآمد و بهنجار، بازدارنده‌های طلاق، مطالعه کیفی، شهر شیراز.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از رفتارهای اجتماعی انسان، تشکیل خانواده و تلاش برای حفظ و بقای نوع خویش است. خانواده یکی از ابتدایی‌ترین شکل‌های شناخته شده زندگی اجتماعی است که از بدو پیدایش انسان تاکنون وجود داشته است (آقایبگولی و آقاخان، ۱۳۸۶). یک نظام اجتماعی و طبیعی با ساختار عاطفی پیچیده که محبت، وفاداری و تداوم عضویت از ویژگی‌های مهم آن است (گلدنبرگ^۱ و گلدنبرگ، ۱۳۸۲: ۱۱).

خانواده پناهگاه و کانون ویژه‌ای برای رفع نیازهای روانی، عاطفی و کانون التیام بخش دردها و رنج‌های زندگی است و روابط زناشویی به این بافت، معنای خاص خود را می‌دهد (ثنایی و دیگران، ۱۳۹۱). چرا که ساخت خانواده و الگوی مراوده‌ای موجود در آن، از ارتباط زن و شوهر شکل گرفته و نحوه برون‌سازی و تطابق این واحد دو نفری با تغییرات آتی سیستم خانواده، ارتباطات اعضای دیگر (فرزندان) با یکدیگر و کارآیی خانواده را تحت تاثیر قرار خواهد داد (نجاریان، ۱۳۷۴). روابط رضایت‌بخش بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و پذیرش و تفاهم یکدیگر قابل ارزیابی است (احمدی، ثروت‌خواه و لهسایی‌زاده، ۱۳۹۳). در واقع سازگاری بین زن و شوهر به آن‌ها اجازه می‌دهد تا از تعارضات اجتناب کنند و یا به شیوه‌ای مناسب آن‌ها را حل کنند.

هر قدر روابط میان همسران بهتر، سالم‌تر و پرجاذبه‌تر باشد، زندگی شیرین‌تر و باصفا تر می‌گردد و فرزندان با نشاط و موفق‌تری تربیت می‌شوند (فرجی و خادمیان، ۱۳۹۲). البته در اغلب ازدواج‌های سالم، اختلافاتی وجود دارد اما به طرزی معقول حل و فصل می‌شود، اما گاهی بروز مشکلات فراوان در راه زندگی زناشویی و خانوادگی به طور بالقوه قادر به تهدید کانون گرم خانواده بوده و می‌تواند زیربنای اولیه لغزش را در زندگی خانوادگی به وجود آورد (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). بی‌تردید خانواده‌های لجام گسیخته و متزلزل، جامعه متزلزل را پدید می‌آورند. جامعه‌ای که در آن نشانی از خانواده‌های سالم یافت نشود، میزان طلاق روز به روز افزایش می‌یابد و به از هم پاشیدن نظام خانواده می‌انجامد (فرجی و خادمیان، ۱۳۹۲).

تحقیق در حوزه طلاق می‌تواند، محقق را به سمت یک شناخت دقیق و صحیح از مسئله مورد بحث سوق داده و در کنار عوامل تسهیل کننده و محرک طلاق، از بازدارنده‌های آن نیز آگاه سازد. هدف این پژوهش واکاوی بازدارنده‌های طلاق از دیدگاه زنان متأهل شهر شیراز است که به صورت کیفی صورت گرفته است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که زمینه‌های به وجود آورنده ثبات و پایداری خانواده کدامند؟ زنان متأهل برای ایجاد یک خانواده کارآمد و بهنجار چه تلاش‌هایی می‌کنند و چگونه شرایط را برای تداوم پایداری خانواده مدیریت می‌شود؟ یافته‌های این پژوهش در زمینه دستیابی به راه‌حل‌های مقابله‌ای زنان متأهل سازگاری که با معضلات متعددی درون زندگی مشترک روبرو شده و به صورت منطقی و عقلانی آن را پشت سر گذارده‌اند، می‌تواند برای آگاه‌سازی زوجین و خانواده‌های در معرض طلاق مورد استفاده قرار گیرد.

مبانی نظری

در تحقیقات کیفی، از نظریه‌ها به منزله‌ی راهنمایی نظری برای تفسیر و تبیین بیشتر ابعاد موضوع مورد مطالعه و حساسیت نظری استفاده می‌شود. در این‌جا نیز به منظور آشنایی با مفاهیم دیدگاه‌های موجود، برخی از نظریه‌ها مرور شده است.

صاحب‌نظران نظریهٔ برساخت‌گرایی اجتماعی^۱، مسائل اجتماعی را ناشی از تعاریف ذهنی و شرایط عینی می‌دانند. این رویکرد به دنبال پاسخ به این سؤال‌هاست که چرا گروه‌های مختلف مردم، معناهای متفاوتی را به یک مسئله نسبت می‌دهند و چگونه این معناها بر رفتار افراد تأثیر می‌گذارند. این رویکرد در تلاش است به صورتی پدیدارشناسانه به بخش اندرونی ذهن افراد مصاحبه‌شونده وارد شود و به مقولات و مفاهیمی مانند آگاهی، نگرش، احساس، درک و دریافت و عقیدهٔ آن‌ها به مسئلهٔ اجتماعی بپردازد. بر اساس این نظریه، افراد درگیر طلاق، طبق پنداشتی که از واقعیت طلاق دارند و تفسیری که در هر موقعیت از آن به عمل می‌آورند، پدیدهٔ اجتماعی طلاق را می‌سازند (افراسیابی و دهقانی دارامرود، ۱۳۹۵). براساس نظریهٔ برساخت-گرایی اجتماعی، بازدارنده‌های طلاق، خود را به مثابهٔ واقعیتی به نمایش می‌گذارد که به وسیلهٔ افراد تعبیر و تفسیر می‌شود و نکتهٔ درخور تأمل در اینجا این است که زندگی زوجین آن‌گونه که هست مهم نیست، بلکه تعریف آن‌ها از این زندگی مهم است.

وندکا^۲ و لستهاق^۳ در نظریه انتقال دوم جمعیتی^۴ با توجه به تغییرات اساسی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم در سطح جامعه، خانواده و در نحوه بچه‌آوری در جوامع پیشرفته اواخر مدرن پیش‌آمد، به تبیین باروری پایین در این جوامع پرداختند (لستهاق، ۲۰۱۰؛ وندکا ۱۹۸۷، ۲۰۰۱). از حدود نیمه دهه ۱۹۶۰ به بعد پیوند فرد و جامعه در آن جوامع سست شد و این تحولات باعث گسترش استقلال فردی، افزایش تسامح و تساهل، انعطاف‌پذیری در مسیر زندگی و به هم خوردن تقسیم کار جنسیتی گردید. با محدودیت حضور جامعه در زندگی فردی و گسترش بی‌سابقه فردیت و اختیارات فردی، نظام ارزشی جامعه متحول گردید. ارزش‌های جامعه محور معطوف به نیازهای اولیه جای خود را به ارزش‌های فرد محور مبتنی بر نیازهای ثانویه دادند. در جوامع اواخر مدرن یا پسامدرن که زنان حق انتخاب سبک زندگی‌شان را پیدا کرده‌اند نسبت قابل ملاحظه‌ای به جای خانواده محوری، کار محور شده‌اند. به تعبیر دیگر نسبت قابل

1 Social Construction Theory

2 Van de Kaa

3 Lesthaeghe

4 Second Demographic Transition

ملاحظه‌ای از زنان در این جوامع، در انتخاب سبک زندگی‌شان، اشتغال، علی‌الخصوص اشتغال حرفه‌ای را بر فرزندپروری ترجیح می‌دهند (سرای، ۱۳۸۷، ۱۲۱). اولین نشانه‌های انتقال جمعیتی دوم قبل از دهه ۱۹۵۰ آشکار شد. در کشورهای اسکاندیناوی و ایالات متحده نرخ‌های طلاق در حال افزایش بود و خروج از تعهد بلندمدت زندگی با این منطق که «یک طلاق خوب بهتر از ازدواج بد است» توجیه می‌شد. بعدها و از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به بعد، نیز باروری از حالت انفجاری - دوره پربایی^۱ - شروع به کاهش کرد. علاوه بر این روند، سن به هنگام اولین ازدواج، دوباره حالت معکوس گرفت و نسبت مجردان شروع به افزایش کرد. بلافاصله بعد از آن آشکار شد که زوج‌زیستی قبل از ازدواج^۲ در حال افزایش است (لستهاق، ۲۰۱۰).

نظریه همسان‌همسری استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان، میان زن و شوهر می‌داند. همسانی میان دو نفر نه تنها آن‌ها را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند وصلت ایشان را استوار می‌کند. به عبارت دیگر ناهمسانی میان دو همسر، سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است. به عقیده هیل^۳ (۱۹۴۵)، افراد مایلند همسری برگزینند که بیشتر همسان‌شان باشد تا ناهمسان‌شان. چنانچه این قاعده به دلالتی رعایت نگردد احتمالاً زوجین دچار ناسازگاری و در نهایت جدایی می‌شوند. بر اساس تئوری همسان‌همسری بخش قابل‌توجهی از طلاق‌ها به خاطر پدیده ناهمسان‌همسری است. یعنی فرض بر این است، اگر زوجین طرف مقابل خود را طوری انتخاب نمایند که از لحاظ میزان هوش، ویژگی‌های جسمانی و فیزیکی و به ویژه ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی از جمله فرهنگ، مذهب و میزان درآمد با هم تفاوت داشته باشند طلاق بیشتر به وقوع می‌پیوندد (ساروخانی، ۱۳۷۶: ۱۲۹). بنابراین به درستی می‌توان گفت که هر قدر فاصله‌های اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی، شغلی و حتی زبانی و دینی زوجین بیشتر باشد، احتمالاً بیشتر در معرض تهدید طلاق قرار می‌گیرند، بدون آنکه یقیناً چنین باشد زیرا پدیده‌ای همچون طلاق مستلزم افزوده شدن عوامل دیگری نیز می‌باشد (عزیزی، ۱۳۷۷: ۱۳۲).

1 Baby Boom

2 Premarital Cohabitation

3 Hill

لوئیس کریزبرگ^۱ (۱۹۷۳) در نظریه سرایت و جبران^۲ سه منشأ اساسی را برای نارضایتی تعیین می‌کند. آن سه منشأ اگرچه از مناظر و دیدگاه‌های مختلف موضوع نارضایتی را مورد توجه قرار داده‌اند اما اجمالاً بر روی یک نکته توافق نظر دارند که منشأ نارضایتی را باید در نابرابری‌ها و ارزیابی ناشی از آن جستجو کرد و این سه منشأ با سه نگرش متفاوت را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- اولین نگرش، بر اهمیت محرومیت به طور مطلق در افراد و میزان آن تاکید دارد.
- نگرش دوم بر سطوح ناسازگاری بین موقعیت‌های متفاوتی که افراد در زندگی اجتماعی با آن مواجهند تاکید می‌کند.
- نگرش سوم اشاره به تغییراتی در طول زمان دارد درباره آنچه که مردم دارند و آنچه تصور می‌کنند باید داشته باشند.

بر مبنای نظر کریزبرگ، رضایت یا نارضایتی از بخشی از زندگی به سایر بخش‌های زندگی تعمیم یافته و آن بخش را نیز متأثر می‌نماید. در ادامه نیز تئوری جبران را مطرح می‌کند و بیان می‌دارد که شخصی که در یک زمینه از زندگی خود ناراضی است به دنبال کسب رضایت در زمینه‌های دیگر زندگی بر می‌آید (صفدری، ۱۳۷۴: ۳۸-۳۶). بر مبنای این نظریه می‌توان دریافت که نارضایتی در میان زوجین که گاهی از اوقات از یک مسئله در یک حوزه خاص شروع شده، می‌تواند باعث تخریب دیگر حوزه‌های تعامل بین زوجین شود و به مرور این ناسازگاری در حوزه‌های دیگری بروز کند، از طرفی زوجین می‌توانند به جای رفتن به سوی جدایی و طلاق به عنوان راه‌حل فرار از بحران، در صدد جبران برآیند و با مدیریت درست شرایط، مانع از وقوع طلاق شوند.

نظریه مبادله اجتماعی در جهت توضیح و تبیین رابطه بین رفتار بر اساس پاداش یا مجازات است. این دیدگاه در مطالعات تجربی و نظری رفتار خانوادگی، عشق و ازدواج گسترش زیادی یافته است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۲۵۰). طبق نظریه مبادله عدم برابری هزینه و پاداش برای زوجین احساس نابرابری در مبادله (ازدواج) را به همراه دارد و در نهایت به گسست روابط متقابل

1 Kreuzberg, Louis

2 Social Contagion Theory

زوجین منجر می‌شود. هر کدام از افراد درگیر این رابطه مبادله‌ای در برابر آنچه هزینه می‌کند، بر اساس هنجارهای مورد قبول، انتظار دریافت پاداشی متعادل از جانب دیگری دارد. حال هرگاه این تعادل خدشه دار شود، فرد بر طبق این نظریه به رفتار پرخاشگرانه تمایل پیدا می‌کند و ممکن است به طلاق روی آورد. بنابراین پنداشت فرد از سود یا زیان، در زندگی زناشویی اهمیت دارد. فرد باید توجه داشته باشد که در صورت جدایی می‌بایست از چه پاداش‌هایی در برابر پاداش‌های جدید صرف نظر کند و در مورد هزینه‌ها هم همین گونه است (جلیلیان، ۱۳۷۵: ۴-۵) و در نهایت تصمیم‌گیری نماید که در کدام مرحله (پیش از طلاق یا پس از آن) بماند.

پیشینه تجربی پژوهش:

قاسمی طوسی و فاخر مبینی (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی با بررسی آیات و روایات متناظر در کنار یکدیگر، مهم‌ترین راهکارهای تحکیم و پایداری خانواده را با توجه به آموزه‌های دین اسلام و قرآن کریم بازخوانی کرده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که از نگاه قرآن کریم و روایات عواملی همچون؛ کفو و همتایی زوجین، صداقت و شفاف‌سازی قبل و بعد از ازدواج، دقت در انتخاب همسر، انتخاب رضایت‌محور و نظارت‌مدار، مهریه سبک و مشارکت‌پذیری زوجین و البته گذشت متقابل از خطاهای طرفین می‌تواند موجب پایداری خانواده شده و در ثبات آن نقش ایفا کند.

علی‌مندگاری و رازقی نصرآباد (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رضایت زناشویی و عوامل جمعیتی-اجتماعی مؤثر بر آن در شهر تهران پرداخته‌اند. نمونه تحقیق شامل ۴۵۰ نفر از زنان و مردان حداقل یکبار ازدواج کرده ۶۰-۱۵ ساله تهرانی و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است. یافته‌ها نشان داد میانگین رضایت زناشویی برای زنان ۲۵,۶۵ و برای مردان ۲۷,۷۵ بود که در هر دو مورد بالاتر از سطح متوسط است. رضایت زناشویی با رضایت جنسی، تجربه خشونت خانگی، نوع انتخاب همسر، سن و سطح تحصیلی رابطه معناداری دارد و افرادی که در انتخاب همسر، تصمیم‌گیرنده اصلی هستند، رضایت زناشویی بالاتری دارند. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد که متغیر رضایت جنسی، تعیین‌کننده اصلی

رضایت زناشویی است و متغیرهای خشونت خانگی و ناهمسانی سنی و تحصیلی، تأثیر کاهنده‌ای بر رضایت زناشویی دارد.

قریب مطلق (۱۳۹۴) در پژوهشی در بین ۵۸۵ نفر از زنان متأهل ۴۹-۱۸ ساله شهر شیراز نشان داد رابطه معناداری بین ابعاد چهارگانه سازگاری زناشویی (توافق زناشویی، رضایت زناشویی، همبستگی زناشویی، ابراز محبت زوجین) و همچنین کیفیت زوجین با نشاط وجود دارد. از بین متغیرهای زمینه‌ای نیز تفاوت معناداری بین فاصله سنی زوجین، مدت ازدواج، درآمد، شغل و تحصیلات زوجین بر حسب نشاط زنان وجود دارد. یافته‌های مستخرج از مدل ساختاری نیز، نشان داد که مدل تجربی تحقیق با داشتن متغیرهای زمینه‌ای، کیفیت و سازگاری زناشویی ۳۹ درصد از متغیر وابسته نشاط اجتماعی را تبیین می‌کند.

بابایی و دیگران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به سنجش میزان اثرات دینداری بر انسجام خانوادگی در بین خانواده‌های دارای فرزند دانش آموز در شهر همدان پرداخته‌اند. روش تحقیق این مطالعه پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه ساخت یافته گردآوری و توسط والدین تکمیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که از میان ابعاد دینداری بعد نمودهای اجتماعی رابطه قوی‌تری را با انسجام خانوادگی دارد، همچنین، از میان ابعاد انسجام خانوادگی، متغیر دینداری رابطه قوی‌تری را با بعد اختلاف بر سر مسائل خانوادگی دارد و ضعیف‌ترین رابطه را هم با بعد اختلاف بر سر مسائل سیاسی دارد.

خادمی و عابدی (۱۳۹۳) پژوهشی نیمه تجربی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل به بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های دینی بر خوش‌بینی و سازگاری زناشویی پرداختند. جامعه آماری این پژوهش، زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره رازی شهر کرج بودند که به صورت گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ زوج) و کنترل (۱۵ زوج) جایگزین شدند. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که از رهگذر آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌توان به ارتقا سطح سلامت روانی و سازگاری افراد همت گماشت. مهارت‌های ارتباطی موجب ارتقای توانایی‌های روانی و اجتماعی می‌شوند. بنابراین یادگیری و تمرین مهارت‌های ارتباطی موجب تقویت یا تغییر در نگرش، ارزش و رفتار انسان می‌شود. در

نتیجه با پدید آمدن رفتارهای مثبت و سالم بسیاری از مشکلات روانی قابل پیشگیری خواهند بود. لذا به نظر می‌رسد، راهبردهای درمانی متناسب با فرهنگ جامعه دینی و مذهبی، که البته با نیازهای وجودی انسان متناسب است، مخصوصاً در زمینه زوج درمانی و خانواده درمانی بسیار مورد نیاز است و غفلت از ارزش‌های مذهبی در شیوه‌های درمانگری را می‌توان از دست دادن حوزه وسیع و غنی از راهبردهای مقابله‌ای و درمانی تلقی کرد.

عنایت و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهر بوشهر پرداختند. حجم نمونه تحقیق ۴۰۰ نفر بوده که از بین دو گروه (طلاق‌گرفته و طلاق‌نگرفته به صورت مساوی) با استفاده از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند. بر اساس یافته‌ها، پاسخگویان متأهل از بیشترین میزان امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی، ارضای نیازهای عاطفی، احساس تعلق به خانواده، پایبندی دینی، همسان‌همسری، تفاهم زناشویی و اعتماد به همسر و از کمترین تأثیرپذیری از گروه دوستان نسبت به پاسخگویان گروه طلاق‌گرفته برخوردارند. نتایج تحلیل‌ها بیانگر آن است که سه متغیر امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی و همسان‌همسری قادر به پیش‌بینی متغیر ملاک هستند.

حسن زاده (۱۳۹۲) در پژوهشی با استفاده از منابع اسلام و آثار متفکران تربیتی به بررسی عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی پرداخته است. در این پژوهش بیان شده که عوامل بسیاری در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند که این موارد شامل: حسن معاشرت در خانواده، نظم و انضباط، وجود روحیه مشورت در خانواده، صبر و پایداری زندگی، روحیه عفو و گذشت، حاکمیت صداقت در فضای خانواده، پرهیز از سوءظن، آفت حسد، رازداری و وفاداری، مشی با آرامش و بی‌تکبر، حلم و بردباری، ترس از کیفر الهی، دوری از افراط و تفریط، تواضع، دوری از سخت‌گیری و اسراف و نیز احسان به پدر و مادر می‌باشند.

صابر^۱ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای که به منظور تعیین سطح سازگاری زناشویی در بین زنان هندی با تاکید بر نوع خانواده‌شان (هسته‌ای و گسترده در مادیا پرادش^۲) انجام داده، بیان می‌کند که سازگاری زناشویی؛ ثبات عاطفی، بازده فکری و اثربخشی اجتماعی مردم را نشان می‌دهد. برای

1 Sabre

2 Madhya Pradesh

مطالعه یک نمونه از ۱۲۰ زن (۶۰ زن از خانواده هسته‌ای و ۶۰ زن از خانواده گسترده) انتخاب شده و داده‌ها با استفاده از آزمون تی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معنی داری در سازگاری زناشویی در بین زنان خانواده‌های هسته‌ای و گسترده وجود دارد. زنان متعلق به خانواده هسته‌ای، سطوح بالاتری از سازگاری زناشویی را در مقایسه با زنان خانواده گسترده نشان می‌دهند. البته او بیان می‌کند که گرچه افزایش سازگاری زناشویی در خانواده‌های هسته‌ای امکان‌پذیرتر است، اما اهمیت و ارزش خانواده گسترده به دلیل ماهیت اشتراک مسئولیت در بین آن‌ها را نمی‌توان انکار کرد.

غروقی و همکاران^۱ (۲۰۱۵) مطالعه‌ای را با هدف بررسی رابطه بین مدت زمان ازدواج و سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل ایرانی در دانشگاه‌های مالزی انجام داده‌اند. بدین منظور ۲۲۰ فرد متأهل به صورت تصادفی انتخاب و از طریق ایمیل به پرسشنامه آنلاین پاسخ داده‌اند. پاسخ‌گویان درباره اطلاعات جمعیتی مورد سوال قرار گرفته و آزمون سازگاری زناشویی لاک والاس را پاسخ داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که هیچ ارتباطی بین طول مدت زناشویی و سازگاری زناشویی وجود ندارد و سازگاری زناشویی در طول زمان نسبتاً ثابت مانده است.

بشارپور و شیخ‌الاسلامی^۲ (۲۰۱۵)، مطالعه‌ای را برای سنجش رابطه سازگاری زناشویی و کارکردهای خانواده با کیفیت زندگی زنان انجام داده‌اند. طراحی مطالعه، از نوع همبستگی بوده و در آن ۷۳۰ زن به طور تصادفی از میان تمام زنان استان آذربایجان غربی (ایران) انتخاب شده است و در این مطالعه شرکت کرده‌اند. نمونه انتخاب شده، به ابزار سنجش خانواده، مقیاس سازگاری زناشویی و پرسشنامه کیفیت زندگی، به صورت جداگانه در خانه‌های خود پاسخ داده‌اند. نتایج نشان داده که تمام ابعاد کارکرد خانواده و سازگاری زناشویی با کیفیت زندگی زنان رابطه مثبت دارد. نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که ۳۳ درصد از کل کیفیت زندگی توسط کارکردهای خانواده و ۲۴ درصد دیگر با سازگاری زناشویی قابل تبیین است.

در رابطه با سازگاری یا ثبات زناشویی، مطالعات متعددی در داخل و خارج کشور انجام شده است که عوامل متعددی (سبک اداره تعارض زناشویی، امنیت اقتصادی، رضایت از زندگی،

1 Ghoroghe

2 Bashaarpoor

احساس تعلق به خانواده، پابندی دینی، همسان‌همسری، تفاهم زناشویی و اعتماد به همسر و ... را در ثبات پیوند زناشویی زوجین موثر می‌دانند. عمده این مطالعات با استفاده از روش کمی به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به روش کیفی به مطالعه بازدارنده‌های طلاق آن‌هم در بین متأهلین پرداخته است. این مطالعه تلاش می‌کند تا با کنکاش در دیدگاه زنان متأهل شهر شیراز، رموز پایداری زندگی مشترک آنان را شناسایی کند و دلالت‌هایی را برای تداوم زندگی مشترک زوجین ارائه دهد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی با رویکرد تفسیری و به روش نظریه‌ زمینه‌ای است. استراتژی نظریه‌ زمینه‌ای، نوعی روش شناسی عمومی برای تدوین تئوری‌هایی است که ریشه در داده‌های گردآوری و تحلیل شده به صورت نظام مند دارد (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷).

شرکت‌کنندگان این پژوهش را زنان متأهلی تشکیل می‌دهند که به وسیله راه‌کارهای بازدارنده طلاق به زندگی متعادل و مورد تایید خود رسیده و ساکن شهر شیراز باشند. فرایند جذب نمونه و اجرای مصاحبه‌ها با مشارکت‌کنندگان در پژوهش با روش نمونه‌گیری هدفمند شروع شد. یک روش متداول در این نوع نمونه‌گیری، نمونه‌گیری با حداکثر اختلاف^۱ است. در این روش، حداکثر اختلاف در محدوده‌ای از کیفیت‌ها، خصوصیات، موقعیت‌ها یا موارد بروز پدیده تحت مطالعه برای مشارکت‌کنندگان مدنظر قرار می‌گیرد. هدف از این روش، اطمینان از این مسئله است که تا جای ممکن متغیرهای متعدد مرتبط با موضوع مورد بررسی قرار گرفته و تم-های اصلی که از مشارکت‌کنندگان متفاوت بدست می‌آید، به تصویر کشیده شوند تا بهترین درک نسبت به پدیده مورد بررسی بدست آید (لیند洛夫 و تیلاور^۲ ۲۰۱۱).

پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های ابتدایی صورت گرفته و مشخص کردن محورهای اصلی کار، نمونه‌های بعدی بر اساس نمونه‌گیری نظری^۳، انتخاب شدند. نمونه‌گیری نظری، فرآیند جمع‌آوری داده برای تولید نظریه است که بدان وسیله تحلیل‌گر، به طور همزمان

1 Maximum Variation Sampling

2 Lindlof and Taylor

3 Theoretical Sampling

داده‌هایش را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل کرده و تصمیم می‌گیرد به منظور بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده‌هایی را جمع‌آوری و در کجا آن‌ها را پیدا کند. معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌برداری نظری "کفایت نظری" مقوله‌ها یا نظریه است. این واژه به وضعیتی اشاره دارند که در آن: "...هیچ داده بیشتری یافت نمی‌شود که پژوهشگر به وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را رشد دهد. به موازاتی که پژوهشگر داده‌های مشابه را بارها و بارها مشاهده می‌کند، از لحاظ تجربی اطمینان حاصل می‌کند که یک مقوله به کفایت رسیده است. زمانی که مقوله‌ای کفایت لازم خود را کسب کرد، هیچ چیز باقی نمی‌ماند، جز اینکه پژوهشگر به سراغ گروه‌های جدیدی از داده در مورد مقوله‌های دیگر برود و تلاش کند آن مقوله‌ها نیز کفایت لازم را به دست آورند" (گلایزر و اشتراوس^۱، ۱۹۶۷، ۴۵).

نهایتاً پس از اتمام نمونه‌گیری هدفمند و نظری با ۲۰ زن متاهل شیرازی (در گروه‌های مختلف سنی و تحصیلی و در طبقات اجتماعی و نیز گرایش‌های مذهبی گوناگون) که زندگی رضایت‌بخشی را در کنار همسر و فرزندان خود تجربه می‌کردند، در یک محدوده زمانی ۴ ماهه، از بهمن ماه ۱۳۹۴ تا اردیبهشت ۱۳۹۵ مصاحبه عمیق صورت گرفته است.

در این مطالعه، مصاحبه بصورت فرایندی به منظور کاوش باز و گسترده روی کل دیدگاه-های پاسخ‌دهنده در خصوص پدیده با رویکرد پدیدارشناسانه در مصاحبه‌های اولیه (سؤالات بدون ساختار) شروع شد و به تدریج که تحلیل داده‌ها به پیدایش طبقات منجر شد، از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته و ساختارمند نیز استفاده شد تا داده‌های مربوط به طبقات پدید آمده و به حد اشباع برسند. به استناد ادیب (۱۳۸۵)، عین صحبت‌های ضبط شده در طول مصاحبه، در همان روز از نوار پیاده می‌شدند و توصیف‌های تهیه شده توسط محقق چندین بار مرور و بازخوانی می‌شدند تا نوعی ادراک از مفاهیم موجود در آن‌ها بدست آید. از این مرحله به بعد، اطلاعات نقل شده و نوشته جات منبع اطلاعات خام این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل بودند. سپس براساس کدگذاری اشتراوس و کوربین در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. در این پژوهش، برای اطمینان از صحت و پایایی داده‌های کیفی حاصل شده

1 Glaser, B. and A. Strauss

از معیارهای مطرح شده از سوی لینکلن و گوبا، یعنی معیارهای اعتبار پذیری، قابلیت اطمینان، تأیید پذیری و انتقال پذیری استفاده شد (حریری، ۱۳۸۵).

یافته‌های پژوهش

برخی از ویژگی‌های جمعیتی افراد شرکت کننده در این پژوهش در جدول ۱ توصیف شده است. همان‌گونه که در داده‌های جدول قابل مشاهده است به لحاظ سطح سواد، کم‌ترین میزان تحصیلات سیکل و بالاترین آن کارشناسی‌ارشد است. ۱۵ زن خانه دار و ۵ زن دیگر شاغل هستند. ۱۸ نفر از مصاحبه‌شوندگان دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر و تنها ۲ زن متأهل دارای تحصیلات زیر دیپلم دارند. جوان‌ترین و مسن‌ترین فرد پاسخگو به ترتیب ۲۳ و ۴۹ ساله هستند.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی زنان متأهل مشارکت‌کننده در پژوهش، ۱۳۹۵

ردیف	سن پاسخگو	تحصیلات پاسخگو	تحصیلات همسر	سن به هنگام ازدواج	اختلاف سنی زوجین	شغل پاسخگو	شغل همسر	تعداد فرزندان
۱	۲۳	کاردانی	کارشناسی	۲۱	۷	خانه دار	آزاد	بدون فرزند
۲	۲۴	کارشناسی ارشد	کارشناسی	۲۰	۵	خانه دار	آزاد	بدون فرزند
۳	۲۴	کارشناسی	کاردانی	۲۰	۷	خانه دار	آزاد	۱ فرزند
۴	۲۵	کارشناسی ارشد	کارشناسی	۲۱	۷	شاغل	آزاد	بدون فرزند
۵	۲۵	کاردانی	دیپلم	۲۲	۵	خانه دار	آزاد	بدون فرزند
۶	۲۷	کارشناسی	کارشناسی	۲۲	۴	خانه‌دار	کارمند	بدون فرزند
۷	۲۷	دیپلم	کارشناسی	۱۶	۵	خانه‌دار	روحانی	۱ فرزند

ادامه جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی زنان متأهل مشارکت‌کننده در پژوهش، ۱۳۹۵

ردیف	سن پاسخگو	تحصیلات پاسخگو	تحصیلات همسر	سن به هنگام ازدواج	اختلاف سنی زوجین	شغل پاسخگو	شغل همسر	تعداد فرزند
۸	۲۹	کارشنا سی	کارشناسی	۲۷	۲	شاغل	آزاد	بدون فرزند
۹	۳۰	کارشنا سی	کارشناسی ارشد	۲۶	۵	خانه دار	کارمند	۱ فرزند
۱۰	۳۲	کارشنا سی	کارشناسی ارشد	۲۶	۴	شاغل	کارمند	۱ فرزند
۱۱	۳۴	دیپلم	زیر دیپلم	۲۰	۷	خانه دار	آزاد	۳ فرزند
۱۲	۳۶	دیپلم	کارشناسی	۱۶	۱۱	خانه دار	کارمند	۲ فرزند
۱۳	۳۷	کارشنا سی	کارشناسی ارشد	۲۳	۲	شاغل	کارمند	۳ فرزند
۱۴	۳۸	کارشنا سی	کاردانی	۲۳	۱	شاغل	کارمند	۲ فرزند
۱۵	۳۹	دیپلم	دیپلم	۱۸	۴	خانه دار	کارمند	۲ فرزند
۱۶	۴۰	سیکل	سیکل	۱۶	۷	خانه دار	آزاد	۲ فرزند
۱۷	۴۱	دیپلم	کارشناسی	۱۷	۳	خانه دار	کارمند	۳ فرزند
۱۸	۴۱	دیپلم	دیپلم	۱۸	۱	خانه دار	آزاد	۳ فرزند
۱۹	۴۲	دیپلم	دیپلم	۱۹	۵	خانه دار	کارمند	۲ فرزند
۲۰	۴۹	سیکل	سیکل	۲۷	۲	خانه دار	کارمند	۳ فرزند

با واردکردن داده‌ها به فرایند کدگذاری، مفاهیمی به دست آمد که از طریق آن‌ها فهم و تفسیر زنان متأهل از بازدارنده‌های طلاق، زمینه‌ها، استراتژی مواجهه مشارکت‌کنندگان با این شرایط و پیامدها از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها آشکار شد.

اگرچه مقوله هسته از درون پژوهش به دست می‌آید، باز یک مفهوم انتزاعی است. مقوله هسته حاصل همه تحلیل ما را در قالب چند کلمه می‌ریزد. این چند کلمه به ما می‌گویند که کل

پژوهش در باب چیست. به عبارتی تفسیر ما از مضمون پژوهش‌مان است و مسائل و نکات برجسته آن را نشان می‌دهد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۶۵). مقوله هسته‌ای حاصل از بررسی مفاهیم و مقوله‌ها، خانواده کارآمد و بهنجار است. در جدول ۲، مفاهیم و مقوله‌های اصلی استخراج شده از مصاحبه‌های عمیق صورت گرفته با زنان متأهل ارائه شده است.

جدول ۲، مفاهیم و زیر مقولات خانواده کارآمد و بهنجار

مقوله هسته	زیر مقولات	مفاهیم
خانواده کارآمد و بهنجار	زمینه‌های تربیتی و حمایتی والدین	شکل‌گیری رابطه صحیح والد_فرزندی، تربیت صحیح فرزندان توسط والدین قبل از ازدواج، تعامل سازنده والدین با یکدیگر، حمایت عاطفی و مالی والدین از زوجین درون زندگی مشترک.
	شیوه همسرگزینی	نحوه آشنایی زوجین قبل از ازدواج، ملاک انتخاب همسر، انگیزه ازدواج.
	همسان‌همسری	زمینه‌های تربیتی مشابه زوجین، تعلق زوجین به پایگاه اجتماعی یکسان، آداب و رسوم و باورهای فرهنگی همسان زوجین، تشابه وضعیت اقتصادی زوجین به هنگام ازدواج.
	امنیت زناشویی	امنیت عاطفی؛ توجه زوجین به عواطف و روحیات یکدیگر، دخالت ندادن تنش‌ها در زندگی زناشویی، تأمین نیازهای عاطفی و جنسی زوجین درون زندگی. امنیت اجتماعی؛ روابط خانوادگی سالم، تعاملات اجتماعی سازنده. امنیت اقتصادی؛ درآمد کافی در زندگی، مدیریت صحیح منابع مالی خانواده توسط زوجین در زندگی مشترک.
	مدیریت صحیح روابط زوجین	مهارت‌های ارتباطی مؤثر، پایبندی به تعهدات همسری، درک صحیح مسایل و واقعیات زندگی، مقابله با بحران‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی به کمک یکدیگر، احترام زوجین به عقاید و سلیقه‌های یکدیگر، صداقت و اعتماد متقابل زوجین.
	انسجام خانوادگی	همیاری و حمایت همه جانبه زوجین از یکدیگر (در زمینه‌های ادامه تحصیل، اشتغال، تربیت فرزند، تصمیم‌گیری‌های مهم)، ایجاد صمیمیت بین فرزندان، تعامل و گفتگوی اعضای خانواده، همفکری و همراهی زوجین در مدیریت امور مالی خانواده، انعطاف‌پذیری زوجین.
	مراقبت‌های اخلاقی	کنترل حریم خانوادگی، رعایت اصول اخلاقی درون زندگی مشترک، مدیریت رسانه‌ای، گذران سالم اوقات فراغت.

شرایط علی

۱. همسان‌همسری

ازدواج را می‌توان یکی از مراحل مهم سه گانه زندگی (تولد، ازدواج و مرگ) به حساب آورد. در صورتی این مرحله بدون دغدغه طی می‌شود که شروع آن مناسب بوده، دختر و پسر نسبت به یکدیگر شناخت کافی داشته باشند. اهمیت آشنایی زوجین با یکدیگر قبل از ازدواج و شناخت کامل آن‌ها از ویژگی‌های شخصیتی و روحیات طرف مقابل، به عنوان یکی از عوامل مهم پیشگیری کننده از بروز اختلافات خانوادگی و جدایی زوجین در این پژوهش مورد تأکید قرار گرفته است. ناهمسان‌همسری و تفاوت خرده فرهنگ‌ها، تاثیر بسزایی در ایجاد اختلاف و طلاق در خانواده دارد. اگر زوجین در ابتدای راه به تفاوت‌ها و تشابهات توجه کافی کرده و به عبارتی ازدواجی هم‌کفو داشته باشند، نه تنها در شرایط سخت و ناملايمات زندگی ناسازگاری پیش نخواهد آمد، بلکه هر دو در طی مسیر زندگی همراه و همیار یکدیگر خواهند بود. تعلق زوجین به پایگاه اجتماعی یکسان، زمینه‌های تربیتی مشابه، آداب و رسوم و باورهای فرهنگی همسان زوجین و تشابه وضعیت اقتصادی زوجین به هنگام ازدواج از جمله مواردی است که می‌تواند به یک ازدواج مناسب و درست بینجامد.

مرضیه (۲۵ساله، کاردانی و خانه دار) درباره تأکیدش بر سطح فرهنگی مشابه برای

ازدواج‌شان می‌گوید:

"... من برایم خیلی هم سطح بودن دو خانواده مهم بود که بعداً مساله‌ای پیش نیاید و برای همین، خیلی هم به خواستگارهایم حساسیت نشان می‌دادم. ... بعضی از حرکات ممکن است در خانواده‌ای با مزه و حتی صمیمانه به نظر بیاید اما در خانواده‌ای دیگر زشت و زننده اس؛ مثل سبک غذا خوردن و لباس پوشیدن. این جور وقت‌ها باید مدام جلو همه خجالت کشید و احساس سرافکنندگی کرد و بعدش هم دعوا و فاصله گرفتن از خانواده هاست. اما آگه اولش به این موارد بیشتر توجه کنیم دیگه کار به این جاها نمیکشه و آرامش برقراره. منم سعی کردم که از زندگی‌های اطرافیانم عبرت بگیرم و تا جایی که میشه این تفاوت‌ها کم باشه که خب این اتفاق هم افتاد و اگرچه تفاوت‌هایی

بالاخره بین خانواده‌ها است اما این‌ها در حالی نیست که حاشیه ساز بشه و خدا رو شکر زندگی آرومی رو تا الان داشته ایم."

۲. امنیت زناشویی

یکی از جوانب بسیار مهم پایداری ازدواج، امنیت و رضایتی است که همسران در ازدواج تجربه می‌کنند. رضایت‌مندی زناشویی حاصل خشنودی و سازگاری زن و شوهر در ابعاد مختلف زندگی مشترک است و استحکام بنیان خانواده و سلامت خانواده را تضمین می‌کند. رضایت زناشویی^۱ در واقع نگرش مثبت و لذت‌بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود دارند و وضعیت موجود فرد در روابط زناشویی با وضعیت مورد انتظار و دلخواهش منطبق است. نارضایتی نیز در واقع نگرش منفی و ناخشنود از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی است. مطالعات نشان می‌دهد که ازدواج باعث افزایش سلامتی و نشاط افراد شده و ناسازگاری و عدم رضایت زناشویی پس از ازدواج نه تنها بر کنش‌های روانی اجتماعی زن و شوهر، بلکه بر رشد و تکامل سایر اعضا از جمله کودکان و نوجوانان اثر سوء دارد (صادقی ۱۳۸۰).

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که امنیت زناشویی در سه زیر مقوله امنیت عاطفی با مفاهیمی چون توجه زوجین به عواطف و روحیات یکدیگر، دخالت ندادن تنش‌ها در زندگی زناشویی، تأمین نیازهای عاطفی و جنسی یکدیگر درون زندگی و امنیت اجتماعی با مفاهیم روابط خانوادگی سالم، تعاملات اجتماعی سازنده توافق زوجین در مورد مسایل مختلف درون زندگی مشترک و نهایتاً امنیت اقتصادی با مفاهیم درآمد کافی در زندگی، مدیریت صحیح منابع مالی خانواده توسط زوجین در زندگی مشترک قابل تعریف است. زمانی که زوجین احساس امنیت و رضایت زناشویی از زندگی مشترک خود داشته باشند، بهتر و به درستی می‌توانند با مسائل و مشکلات درون خانواده مواجه شوند، آسیب شناسی نمایند و در برابر آسیبهایی که باشند و در نهایت برای رفع آن چاره‌جویی نمایند. در واقع در این شرایط آن‌ها کنشگران خلاق هستند که مسائل خانواده را به درستی شناسایی و درصدد حل آن بر می‌آیند.

مریم (۳۲ساله، کارشناسی و شاغل) درباره جدا بودن تنش‌های خانه از روابط عاطفی و جنسی بیان می‌کند که:

"... درک نیازهای جنسی همسر و داشتن مهارت جنسی در کنار دیگر مهارت‌های زندگی می‌تونه از عاملهای مهم آرامش تو خونه باشه. ما از روز اول زندگی مشترک و البته به توصیه مشاوره‌ای که قبل از ازدواج رفتیم، حتی در شرایطی هم که به شدت از دست هم دلخور هستیم، با هم غذا می‌خوریم، در کنار هم می‌خوابیم، با هم مهمونی میریم و این خودش کمک می‌کنه که دلخوری‌ها زودتر حل بشه و میل و محبت ما هم به همدیگه بیشتر بشه. چرا که بودن هر دوی ما در یک محیط خصوصی و در کنار هم، کششی را در هر دو مون ایجاد میکنه که باعث میشه خاطرات خوب زندگیمون مجدداً یادآوری بشه و دلخوری‌ها هم راحت‌تر کنار گذاشته بشه."

فاطمه (۲۹ساله، کارشناسی و شاغل)، درباره تعاملات سازنده با همسرش می‌گوید:

"... من و همسرم از همان آغاز مبنا را بر این گذاشتیم که حتماً درباره مسائلی که باعث ناراحتیمون میشه صحبت کنیم و اجازه ندیم که با جمع شدن ناراحتی‌ها، خدای ناکرده کینه‌ای درونمون ایجاد بشه. از همان آغاز معمولاً آخر هفته را فرصتی برای این صحبت‌ها گذاشتیم. در طول هفته هم که ممکنه مسائلی پیش بیاید اونو در دفترچه‌ای یادداشت می‌کنیم. البته هرشب هم درباره اختلاف نظرها و ناراحتی‌ها صحبت نمی‌کنیم چونکه برخی مسائل آنی که باعث ناراحتی میشن، بعد از چند روز رفع سوء تفاهم می‌شه. در این چند سال هر دو مون از این طریق تونستیم خیلی از مسائل و مشکلاتمون را به راحتی حل کنیم. ... به نظرم ساختن رابطه سالم بین زن و شوهر خودش بهترین گزینه برای به زندگی موفقه".

سهیلا (۳۰ساله، کارشناسی و خانه دار) در زمینه نقش ثبات مالی و درآمدی در ایجاد آرامش و استحکام زندگی می‌گوید:

"... داشتن سطح مالی خوب و شغل و درآمد مناسب در آرامش و ثبات زندگی خیلی تاثیر داره. کم بودن حاشیه‌های مالی در خانه کمک زیادی به همفکری و همکاری در مسائل فرهنگی و اجتماعی خودمون و بچه‌ها می‌کنه. دغدغه کمتر، فکر آزادتر و تصمیم‌گیری بهتر را به همراه داره. ... علت عمده‌ای که مسائل و مشکلات ما تو زندگی کمه، اینه که همسرم مجبور نیست چند شیفت کار کنه و ساعت‌های زیادی را داخل منزله و این باعث میشه که به کمک هم کارهای خونه رو انجام بدیم، با هم به بیرون و مهمانی بریم و ..."

شرایط زمینه‌ای

۱. زمینه‌های تربیتی و حمایتی والدین

با مروری بر یافته‌های پژوهش می‌توان این مساله را به خوبی دریافت که آرامش و ثبات زندگی مشترک زوجین، ریشه در زمینه‌های تربیتی و حمایتی والدین و شرایط خانوادگی فرد در دوران قبل از ازدواج دارد. شکل‌گیری رابطه صحیح والد-فرزندی و تربیت صحیح فرزندان توسط والدین قبل از ازدواج، تعامل سازنده والدین با یکدیگر و احترام به عقاید شخصی فرزندان و همراهی و همدلی پدر و مادر با یکدیگر نه تنها الگوی خانواده سازمان یافته را به فرزندان یاد می‌دهد، بلکه از عوامل مهم تصمیم‌گیری فرزندان در رابطه با ازدواج و انتخاب همسر خواهد بود. حمایت‌های عاطفی و مالی والدین از فرزندان بعد از ازدواج‌شان و درون زندگی مشترک آن‌ها نیز به عنوان عامل مهمی در شکل‌گیری یک خانواده سالم و کارآمد مطرح شده است. زینب (۳۱ساله، کارشناسی و خانه دار) در زمینه تعامل سازنده والدین با یکدیگر می‌گوید:

"... پدر و مادر من روابط عجیبی با هم دارند. روابطی حتی بهتر از دو دوست صمیمی. هیچ وقت من ندیدم بر سر مساله‌ای در خانه ما مجادله پیش بیاید و همیشه با صحبت کردن و قانع کردن همدیگر مساله حل می‌شد. اختلاف نظر در خانه ما خیلی زیاد بود، اما هرگز صحنه جنجال در خانه ما پیش نمی‌آمد."

.... هیچ وقت ما بچه‌ها متوجه قهر و آشتی پدر و مادرمان نمی‌شدیم و بعدها که من ازدواج کرده بودم، مادرم در نصیحت‌هایش این مسائل را می‌گفتند. روابط پدر و مادرم به همه ما بچه‌ها خیلی چیزا رو یاد داد و ما هم به همین روش هیچ وقت بر سر مسائل با هم دعوا نمی‌کردیم و ته‌ته آن غرزدن و نالیدن بود و این رفتار به زندگی متاهلیم هم رسوخ کرد و اگرچه درباره اختلاف سلیقه‌ها صحبت می‌کردیم، اما هیچ وقت اجازه تبدیل شدن اختلافها را به دعوا و قهر نمی‌دادیم".

۲. شیوه همسرگزینی

یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های آدمی در زندگی، انتخاب همسر است، زیرا بدین وسیله به تشکیل خانواده پرداخته و این امر در زندگی شخصی، اجتماعی فرد و تربیت فرزندان تأثیر بسزایی دارد. اهمیت این انتخاب به قدری است که سعادت، رضایت و ناکامی‌های زوجین در زندگی را تا حدی می‌توان به چگونگی این انتخاب مربوط دانست. بررسی نظام تاریخی ازدواج در جامعه ایران نیز مؤید این نکته است که الگوی همسرگزینی از قدیم با محوریت خانواده بوده و اغلب توسط والدین و شبکه خویشاوندی ترتیب می‌یافته است، ولی با گذشت زمان این محوریت کم‌رنگتر شده و امروزه جوانان تمایل دارند که بیشتر خودشان در تصمیم‌گیری برای زندگی و آینده خود نقش آفرینی کنند. بسیاری از زوجینی که کارشان به مشاجره و طلاق کشیده شده علت را، عدم توجه کامل به ملاک‌های انتخاب همسر، تحقیق، گفتگو و بررسی زمینه‌های اشتراک یا افتراق خود با طرف مقابل بیان کرده‌اند. به‌علاوه شکل‌گیری ازدواج بر مبنای اهداف نامناسب و انگیزه‌های غلط از مهمترین دلایل شکست ازدواج زوجین مطلقه است. نکته قابل‌توجه در زمینه روش‌های آشنایی زوجین با هم این است که؛ زوجینی که از طریق روش‌های سنتی - با معرفی زوجین به یکدیگر از طریق خانواده‌ها یا آشنایان و بستگان - با یکدیگر آشنا شده و تشکیل زندگی دادند، در مقایسه با زوجینی که بدون شناخت کامل و از طریق دوستی‌های موقتی و زودگذر، تصمیم به ازدواج گرفته‌اند، دوره زناشویی طولانی‌تری را تجربه کرده‌اند (علی‌مندگاری، ۱۳۹۳).

در تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته نحوه آشنایی زوجین قبل از ازدواج، ملاک انتخاب همسر و انگیزه‌های ازدواج به عنوان مقوله‌های مهم در شیوه همسرگزینی از سوی مشارکت‌کنندگان بیان شده و به عنوان عوامل بسترساز یک زندگی موفق قابل تأمل می‌باشند. معصومه (۳۶ ساله، دیپلم و خانه دار) درباره نحوه انتخاب همسر و همراهی خانواده اش در این زمینه می‌گوید:

"... آشنایی ما با معرفی شروع شده بود و ما اطلاعات زیادی از آن‌ها نداشتیم. از سوالاتی که از خودشان پرسیدیم و پدر و مادرم از خانواده اش پرسیدند، تاحدودی روحیات‌شان را متوجه شده بودیم. البته صداقت در پاسخ‌های خانواده شوهر و پرس و جوهای پدرم هم خیلی کمک کرد و بر اساس معیارهایی که برایم مهم بود و به نوعی جز ارزش‌های خانواده ما تلقی می‌شد و مشورت و صلاح دید پدرم ازدواج کردیم."

شرایط مداخله‌گر

۱. مراقبت‌های اخلاقی

از آنجا که هدف اساسی در ازدواج، سکون و آرامش است، لذا با توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه، عدم رعایت اصول اخلاقی به عنوان عامل برهم زننده این تسکین و آرامش در بین زوجین، می‌تواند موجب برهم خوردن کانون گرم خانواده و بروز درگیری و در اغلب موارد جدایی زوجین، آن هم با برجا گذاشتن لطمات فراوان برای خانواده است (عنایت و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۲). بنابراین در خانواده‌هایی که حریم خانواده توسط زوجین و حتی اطرافیان آن‌ها حفظ شود و مراقبت‌های اخلاقی در حوزه‌های مرتبط (معاشرت با دیگران، دخالت اطرافیان و وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی) صورت گیرد و برای گذران سالم اوقات فراغت برنامه ریزی می‌شود، به وضوح ثبات و آرامش بیشتری درون خانواده حکمفرما خواهد شد. آزاده (۲۴ ساله، فوق لیسانس و خانه دار) درباره تأکید مسائل اخلاقی و مذهبی در خانه‌شان می‌گوید:

"... پابندی اصول اخلاقی و دینی تو زندگی مشترک به هر دو طرف آرامش عجیبی می‌ده و به برکت اون همه چیز به خیر و خوشی پیش میره. ..."

البته انتخاب درست و همراه خوب داشتن هم خیلی مهمه. من و همسر همیشه سعی میکنیم که مراعات مسائل مذهبی رو توخونه داشته باشیم و در برخورد با اطرافیان هم به حریمشون احترام بذاریم. وقتی من مراعات حجاب رو جلوی فامیل میکردم هم خودم احساس خوبی داشتم و بالاخره اصول دینمون هم هست و هم در برخورد و اعتماد و احترام همسر با خودم تاثیر داشت و هم اینکه دیگران هم که خیلی روی حجاب حساس نبودن، زمانی که ما مهمانشون بودیم مراعات می‌کردند. تاکید بر اصول اخلاقی و دینی در نوع رفتار و پوشش و تعامل با اطرافیان می‌تونه تاثیر زیادی در سرزندگی و شادمانی زندگی‌ها بذاره".

دخالت اطرافیان و به خصوص والدین یکی از عوامل مهم و مشکل ساز در خانواده‌هاست. این مساله نشان‌دهنده عدم تمایز افراد از خانواده‌های‌شان می‌باشد که باعث بروز دخالت خانواده‌ها در زندگی زناشویی زوجین می‌شود. هرچه قدر که زوجین وابستگی بیشتری به خانواده‌های خود داشته باشند و در هر موردی قبل از همفکری و مشورت کردن با یکدیگر، نظر آن‌ها را پرسیده و سعی در اجرای نظرات آن‌ها داشته باشند، اختلافات خانوادگی بیشتری را نیز تجربه خواهند کرد، زیرا معمولاً نظرات دو خانواده با هم یکسان نخواهد بود و یا نظر یک خانواده باب میل یکی از زوجین قرار نمی‌گیرد. بنابراین هرچه قدر که زوجین دارای استقلال فکری بیشتری درون زندگی مشترک باشند، به همان نسبت از زندگی موفق‌تری بهره‌مند خواهند بود. طیبه (۳۴ساله، دیپلم و خانه دار) درباره مسائل مربوط به ارتباط اطرافیان و دخالت کردن‌های آنان می‌گوید:

"... داشتن خانواده و اطرافیان خوب و بودن در محیط سالم و با آرامش، فکر آدمی را می‌سازد. ما سال‌ها بچه دار نمی‌شدیم و خانواده همسر اصرار شدیدی به ازدواج مجدد همسر داشتند و من اگرچه راضی نبودم اما خوب به زبان می‌گفتم باشد، روزهای سخت و پراز فشاری رو میگذروندم و خیلی از مشکلاتم هم به خاطر همین استرس‌ها بود. اما دوستان همسر که در جریان

این مسئله بودند و رفت آمد به خانه ما می‌کردند، با صحبت‌هایی که با همسرم داشتند و نظراتی که می‌دادند مانع این کار شوهرم شدند. هرچند شوهرم هم مخالف این کار بود و رابطه بسیار خوبی با من داشت اما فشار و زخم زبان‌ها کلافه اش کرده بود تا اینکه یک روز وقتی از سر کار آمد گفت: خانه جدیدی را رهن کرده ام و باید سریع اسباب‌کشی کنیم و به هیچ کس از خانواده من هم نگو و بسیار که خانواده خودت هم چیزی نگویند و محل زندگی و کارش را چند سال و بدون اطلاع همه عوض کردیم و تصمیم گرفتیم که برای زندگیمان خودمان تصمیم بگیریم و تقریباً یک سال بعدش ما بچه دار شدیم."

۲. مدیریت رسانه و فضای مجازی

عمده بحث در زمینه مدیریت رسانه‌های ارتباط جمعی و فضای مجازی مربوط به خانواده و زوج‌هایی است که آسیب‌های زیادی را از این حوزه تجربه کرده‌اند. آمارها نشان می‌دهد که میزان مشاهده تلویزیون توسط افراد در ایران، نزدیک به چهار ساعت و نیم است که این میزان بسیار زیاد بوده و می‌تواند به کاهش فضای گفتگو و در نتیجه ایجاد فاصله عاطفی و هیجانی و همچنین فاصله شناختی میان اعضای خانواده منجر گردد (قریشی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶). از اینرو مدیریت صحیح استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی درون خانه می‌تواند نقش مهمی در الگوگیری فرزندان و نوع ارتباط بین اعضای خانواده ایفا کند. مریم (۲۰ساله، کارشناسی و خانه دار) در این باره می‌گوید:

"... دیدن برنامه در خانه ما تحت برنامه خاصی چیده می‌شد و این به خاطر آن بود که پدر و مادرم از همان بچگی دیدن برنامه‌های ماهواره و استفاده از اینترنت را کنترل می‌کردند. این الگوی رفتاری در بزرگسالی برای ما عادت شده بود و دیگر خودمون هم گرایش بهش نداشتیم. برنامه‌های مختلفی را می‌دیدیم اما برنامه‌هایی که به ذهن ما گرایش‌هایی مخالف ارزش‌های خانوادگیمون رو می‌داد تو دوره بحرانی نوجوانی تحت کنترل بود. البته پدر و مادرم هم بیشتر تو کانون خانواده بودند و برای ما وقت می‌گذاشتند تا اینکه پای رسانه باشن."

مقاله هسته

خانواده کارآمد و بهنجار

کارآمدی عبارتست از اینکه تا چه اندازه الگوهای خانواده در کسب هدف‌های آن موثر و سودمند واقع شده‌اند. قضاوت در مورد الگوهای کارآمد (یا ناکارآمد) بستگی به درک بهنجاری، سلامت و همین‌طور ملاحظات اجتماعی_فرهنگی دارد (موسوی، ۱۳۸۲). خانواده‌ای که در آن بین اعضا مکملیت وجود دارد، برون‌سازی متقابل اعضا با نیازهای یکدیگر، مرزهای روشن و منعطف، قدرت حل تعارض و ایجاد تغییر مناسب با چرخه حیات خانواده از ویژگی‌های دیگر این خانواده است. خانواده بهنجار در مقابله با استرس‌های گریزناپذیر زندگی، ضمن حفظ انسجام خانواده، قادر است به منظور تجدید ساختار خود، انعطاف‌پذیری لازم را نشان دهد (مینوچین، ۱۳۷۵). پایبندی به تعهدات همسری، مهارت‌های ارتباطی مؤثر، انعطاف‌پذیری زوجین، احترام متقابل اعضای خانواده و مقابله با بحران‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی به کمک یکدیگر از جمله عواملی هستند که می‌تواند در ثبات خانواده تاثیرگذار باشد. نرگس (۳۱ساله، کارشناسی و خانه دار) در این زمینه می‌گوید:

"... در خانواده ما هرگز جایگاه مادرم کمتر از پدرم نبود و آن‌ها در مسائل و مشکلات همگام با هم پیش می‌رفتند و وقتی قرار بود در خانه ما تصمیم مهمی گرفته شود، پدر و مادرم ساعت‌ها با هم درباره مسائل و احتمال‌های مربوط به آن، صحبت می‌کردند و در جلساتی هم نظر ما بچه‌ها را می‌پرسیدند. در خانه ما رسم بر این شده بود که اگر کاری پیش می‌آمد چه شادی و چه غم، همه باید گوشه‌ای از کار را می‌گرفتند و بعد هم گزارش کارهای انجام شده را می‌دادند که این در اعتماد به نفس ما، در روابط اجتماعی و مهارت آموزشی و مسئولیت‌پذیری‌های بیرون از خانه بسیار موثر بود."

راهبردهای کنش

۱. تاب‌آوری

تاب‌آوری به معنای توانایی مقابله با شرایط دشوار و پاسخ انعطاف‌پذیر به فشارهای زندگی روزانه است. تاب‌آوری، به افراد قدرت می‌دهد تا با مشکلات پیش رو مقابله سالم داشته باشند، بر سختی‌ها فائق آیند و با جریان زندگی حرکت کنند (احمدی و شریفی، ۱۳۹۳).

در بسیاری از مصاحبه‌های انجام شده با زنان متأهل، آنان بر صبر و تحمل و سازش تأکید کرده و خانواده را به مثابه نهادی مقدس در نظر گرفته و به یک رابطه مسئولانه و مقدس اشاره کرده و بر احساس تعهد و مسئولیت و صبر و سازش تأکید کرده‌اند. مریم (۲۴ساله، کارشناسی و خانه دار) می‌گوید:

"... مادرم شوهرم آرمان‌های خاص خودش رو داشت و اصرار شدید به این که، هرچه که دوست داره پیاده بشه. اختیاری برای من نمی‌گذاشت و همسر هم مدام می‌گفت مادرمه، خب!! سر همین مسئله با همسر دعوا می‌شد. هرچه تلاش می‌کردم و کوتاه می‌آمدم، اوضاع بدتر و بدتر می‌شد. چند بار هم اعتراض کردم اما فایده‌ای نداشت. دیگر نتونستم طاقت بیارم... سر همین دعوا بود که با همسر پیش مشاور رفتیم و از مشکلاتمون گفتیم، آن هم با چه سختی... شوهرم نمی‌اومد و آخرش هم کلافه شد که راضی به اومدن شد. من گلایه‌ها و انتظاراتم را گفتم و صحبت آخر مشاور با همسر این بود که گفت، اگر همه چیز را تغییر ندهی و نگذاری خودش انتخاب کند، طلاق برایتان بهتر است. این صحبت‌ها شرایط را کمی برام بهتر کرد، اما از یه جایی به بعد هم تصمیم گرفتم رفتارهای مادرشوهرم را تحمل کنم و با صبر و گذشت و البته محبت به شوهرم او را همراه خودم داشته باشم."

۲. همدلی و همراهی

در مصاحبه‌های انجام شده، خانواده‌های موفق در برابر مسائل و حاشیه‌های زندگی‌شان، توانسته‌اند با همدلی و همراهی و البته صبر و شکیبایی، سختی‌های مقطعی زندگی را پشت سر

گذاشته و در عین حفظ حرمت‌ها، به یکدیگر محبت و توجه بیشتری داشته باشند. بسیاری از مشارکت‌کنندگان حمایت و همراهی مرد از همسرش درون خانه و نیز در شرایط خاصی که ممکن است (مانند ادامه تحصیل، اشتغال بیرون منزل، گذران دوران سخت بارداری) در طی زندگی مشترک پیش بیاید را زمینه ساز ثبات، آرامش و رضایت‌مندی بیشتر از زندگی زناشویی دانسته‌اند. محبوبه (۳۶ساله، کارشناسی و شاغل) درباره همدلی و همراهی در ایجاد آرامش درون خانه می‌گوید:

"... همیشه وقتی کسی می‌گفت که شرایط مالی اجازه این کارو، اون کارو نداد به خودم می‌گفتم آخه مگه میشه. این کار که هزینه خاصی نداره. در واقع چون خودم شاغل بودم و عمده حقوقم هم برای خودم می‌موند تصور نتوانستن انجام کارای کوچیک خنده دار می‌ومد اما مادرم همیشه میگفت اتفاقه ممکنه پیش بیاد و میگفت که خودش هم هیچ وقت فکر نمی‌کرده که توی زندگیشون از لحاظ مالی مشکلی پیش بیاد. تا اینکه برای شغل بابام مشکلی پیش اومده بوده و دو سال نیم حقوق بابا نبوده و خیلی تحت فشار قرار گرفته بود. مامانم میگفت: من عذاب وجدان شدیدی داشتم که سرکار میرم و بابات نمیتونه بره و به شدت نگران غرور مردانه او بودم. اما خوب خدا رو شکر از این امتحان سربلند بیرون اومدیم. همه توانم را برای حفظ آرامش خونه گذاشتم و مدام در حال شادکردن فضای خونه و لبخند زدن بودم و البته با دقت تمام، اسراف و افراط هم از برنامه به کلی حذف شد. من اون روزا رو یادمه مامانم همش در حال شاد کردن خونه بود و حالا متوجه میشم که چه کار بزرگی انجام داده و هیچ‌کدومون هم متوجه نشدیم...."

۳. مدیریت شرایط بحرانی

توانمندی فرد در شناخت و تجزیه و تحلیل منطقی مشکلات زندگی و به کار بردن شیوه‌های اثربخش و روشهای سازگارانه و ارائه واکنش‌های صحیح منطبق بر واقعیت در مواجهه با معضلات و بحران‌های زندگی تعریف دقیقی است که برای مدیریت شرایط بحرانی درون

زندگی مشترک می‌توان ارائه داد. در بین مشارکت‌کنندگان آن دسته از زنانی که با وجود داشتن شرایط بسیار سخت که می‌توانسته آنان را به طلاق بکشاند، به خوبی شرایط را مدیریت کرده بودند، از عملکرد خود برای ماندن درون زندگی مشترک بسیار رضایت‌مند بودند زیرا هم خود و هم فرزندان‌شان را از مشکلات و سختی‌های بعد از طلاق نجات داده‌اند. نسرین (۴۰ساله، سیکل و خانه دار) می‌گوید:

"... شوهرم با دوستش یک ماشین باری خریدند و شریکی با آن، بار جا به جا می‌کردند، بعد از ۶-۵ سال متوجه شدم که شوهرم اعتیاد پیدا کرده است، در شرایطی که دو دختر هم داشتم. تصمیم به جدایی گرفتم، از طرفی دو دختر داشتم و از طرفی اعتیاد دردناک بود و غیر قابل تحمل. تصمیمم را گرفتم و به زور به مرکز ترک بردم و ترکش دادم و ماشین را هم کرایه دادم. مدتی خوب بود اما دوباره شروع کرد و من باز هم ترکش دادم و در دور آخر در فاصله‌ای که در کمپ بود خانه را هم فروختم و تمام خط‌های تلفن را هم عوض کردم و خیلی جدی گفتم که دور آخریه که می‌مونم و تا جایی که توان داشتم تا قبل آمدنش همه چیز رو تغییر دادم و خداروشکر دفعه آخر هم شد و امیدم نا امید نشد."

پیامد

با توجه به یافته‌هایی که از تحلیل مصاحبه‌های زنان متأهل مشارکت‌کنندگان بدست آمد، می‌توان انعطاف‌پذیری و پویایی خانواده، امنیت و رضایت زناشویی زوجین و همدلی و همراهی و حمایت متقابل اعضای خانواده را از پیامدهای حضور در خانواده کارآمد و بهنجار به حساب آورد. زمانی که زوجین شرایط متعادلی را در خانواده داشته باشند و اعضای خانواده، به هنگام حضور در خانه احساس امنیت، رضایت و آرامش کنند، طبیعی است که پیامد آن چیزی جز ثبات و انسجام خانوادگی نخواهد بود.

انسجام خانوادگی

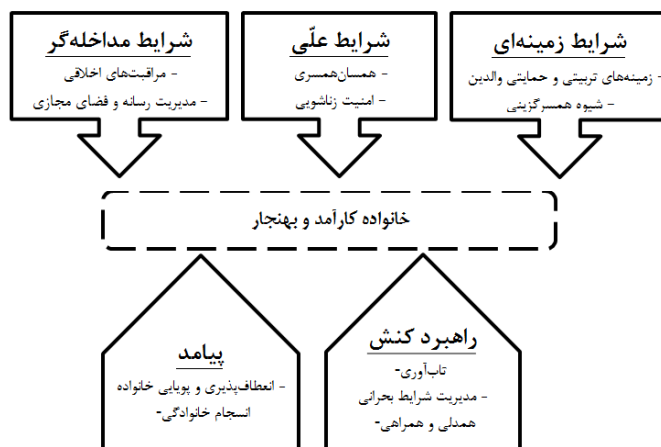
انسجام خانواده به مفهوم احساس نزدیکی عاطفی با دیگر اعضای خانواده در بردارنده دو بُعد تعهد و وقت گذراندن با همدیگر است. تعهد به معنی تمایل به صرف وقت و انرژی برای خانواده

و عدم تداخل مسؤلیت‌های شغلی با امور خانواده است. افراد مراقب و مواظب همدیگرند و این رفتار را در تعاملات و صحبت‌های‌شان نشان می‌دهند (لینگرن^۱، ۲۰۰۳). یکی از مهم‌ترین پیامدهای مثبت حاصل از خانواده کارآمد و بهنجار، انسجام خانوادگی است. همانگونه که از اظهارات مشارکت‌کنندگان این پژوهش مشخص است در صورت بالا بودن انسجام خانوادگی، اعضای خانواده پیشرفت و شادی همدیگر را می‌خواهند و اگر یکی از اعضای خانواده گرفتار مشکلی شود بقیه حاضرند برای رفع آن مشکل تلاش کنند. این تلاش و حمایت همه‌جانبه ضامن سلامت و استحکام بنیان خانواده است. مهدیه (۳۲ ساله، کارشناسی و شاغل) در رابطه با نقش زوجین در انسجام خانواده می‌گوید:

" شوهرم معتقد که توی زندگی مشترک هرکی هرکاری از دستش برمیاد باید انجام بده و هیچکدوم هم نباید منتی بر سر هم داشته باشند. من غدام رو درست می‌کنم، اون هم میاد تو ظرف شستن به من کمک می‌کنه. توی امورات منزل، رسیدگی به درس و مشق بچه‌ها کمک کار منه ... خوشبختانه این مشارکت برای ما یک چیز حل شده‌ای هست و همین رفتارهاش باعث میشه که وقتی همراهی و حمایتشو توی زندگی می‌بینیم، توی شرایط سخت و دشوار زندگی، خیلی بهتر و بیشتر همراه و کمک کارش میشی."

مدل پارادایمی پژوهش

با مرور مکرر داده‌ها، بازخوانی مصاحبه‌ها، کدها و طبقات استخراج شده نهایتاً مشخص شد که مقوله هسته پژوهش، خانواده کارآمد و بهنجار است. همانگونه که در شکل ۱ هم مشخص شده است، ازدواج مناسب و درست و امنیت و رضایت زناشویی شرایط علی ایجادکننده خانواده کارآمد و بهنجار هستند. شیوه صحیح همسرگزینی و زمینه‌های تربیتی و حمایتی والدین به عنوان شرایط زمینه‌ای و مدیریت رسانه و فضای مجازی و مراقبت‌های اخلاقی زوجین درون زندگی مشترک به مثابه شرایط مداخله‌گر، حضور زنان متأهل را درون زندگی مشترک تداوم بخشیده‌اند.



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

استراتژی و راهبرد کنش زنان متأهل در تلاش برای ایجاد یک خانواده کارآمد و بهنجار، تحمل سختی‌ها و شرایط دشوار زندگی با مدیریت مناسب شرایط بحرانی و نیز از طریق همراهی و همدلی و حمایت متقابل زوجین از یکدیگر است. پیامد تمامی این شرایط و کنشهای فعالانه، انعطاف‌پذیری و پویایی خانواده و انسجام بالای خانوادگی است که نهاد خانواده را از هجوم تلاطم‌ها و ناملازمات زندگی به سرمنزل مقصود، آرامش و ثبات رهنمون خواهد شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

عوامل مختلف به صورت درهم تنیده‌ای از دوران قبل از ازدواج تا به هنگام انتخاب همسر و طی مراحل مختلف زندگی مشترک زوجین در موفقیت، تداوم و پایداری زندگی زناشویی نقش ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر، با هدف واکاوی بازدارنده‌های طلاق از دیدگاه زنان متأهل شهر شیراز، به صورت کیفی و با استفاده از رویکرد نظریه زمینه‌ای در پی جستجوی زمینه‌های ثبات و پایداری و دلالت‌های تداوم بخش زندگی مشترک آنان می‌باشد.

مرور یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که ازدواج به عنوان یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فردی، در صورتی بدون دغدغه طی می‌شود که شروع آن مناسب بوده و دختر و پسر نسبت به یکدیگر شناخت کافی داشته باشند. اهمیت آشنایی زوجین با یکدیگر قبل از ازدواج و

شناخت کامل آن‌ها از ویژگی‌های شخصیتی و روحیات طرف مقابل، به عنوان یکی از عوامل مهم پیشگیری کننده از بروز اختلافات خانوادگی و جدایی زوجین در این پژوهش مورد تأکید قرار گرفته است. ناهمسان‌همسری و تفاوت خرده فرهنگ‌ها، تأثیر بسزایی در ایجاد اختلاف خانوادگی دارد. اگر زن و مرد در ابتدای تشکیل زندگی به تشابهات و تفاوت‌ها توجه کافی کرده و به عبارتی ازدواجی هم کفو داشته باشند، نه تنها در شرایط سخت و ناملازمات زندگی ناسازگاری پیش نخواهد آمد، بلکه هر دو در طی مسیر زندگی همراه و همیار یکدیگر خواهند بود. تعلق زوجین به پایگاه اجتماعی یکسان، زمینه‌های تربیتی مشابه، آداب و رسوم و باورهای فرهنگی مشترک و تشابه وضعیت اقتصادی زوجین به هنگام ازدواج از جمله مواردی است که می‌تواند به یک ازدواج مناسب و درست بینجامد. نتایج مطالعات ریاحی و دیگران (۱۳۸۶)، قاضی طباطبایی و علی‌مندگاری (۱۳۹۱)، احمدی و دیگران (۱۳۹۱) و قادری و مردانی (۱۳۹۲)، قاسمی طوسی و فاکر میبیدی (۱۳۹۵) نیز همسو با این یافته پژوهش است.

زمانی که زوجین احساس امنیت و رضایت زناشویی از زندگی مشترک خود داشته باشند، بهتر می‌توانند با مسائل و مشکلات درون خانواده مواجه شوند، آن‌ها را آسیب شناسی نمایند و در برابر آسیبهایی ایمن باشند و در نهایت برای رفع آن چاره‌جویی نمایند. در مصاحبه‌های انجام شده، خانواده‌های موفق در برابر مسائل و حاشیه‌های زندگی‌شان، توانسته‌اند با همدلی و همراهی و البته صبر و شکیبایی، سختی‌های مقطعی زندگی را پشت سر گذاشته و در عین حفظ حرمت‌ها، به یکدیگر محبت و توجه بیشتری داشته باشند. در واقع در این شرایط، زوجین کنشگران خلاق هستند که مسائل خانواده را بدرستی شناسایی و درصدد حل آن بر می‌آیند. بسیاری از مشارکت‌کنندگان حمایت و همراهی مرد از همسرش درون خانه و نیز در شرایط خاصی که ممکن است در طی زندگی مشترک برای زن پیش بیاید (ادامه تحصیل، اشتغال بیرون منزل، گذران دوران بارداری) را زمینه ساز ثبات، آرامش و رضایت‌مندی بیشتر زنان از زندگی زناشویی دانسته‌اند. این نتایج همسو با یافته پژوهش عنایت و سروش (۱۳۸۸)، قریب مطلق (۱۳۹۴) و خادمی و عابدی (۱۳۹۳)، علی‌مندگاری و رازقی نصرآباد (۱۳۹۵) نیز می‌باشد.

از آنجا که هدف اساسی در ازدواج، سکون و آرامش است، لذا عدم رعایت اصول اخلاقی به عنوان عامل برهم‌زننده این آرامش، می‌تواند زمینه بروز درگیری و حتی جدایی زوجین را ایجاد کند. با مروری بر یافته‌های پژوهش می‌توان این نکته را به خوبی دریافت که بخشی از آرامش و ثبات زندگی مشترک زوجین، ریشه در زمینه‌های تربیتی و حمایتی والدین و شرایط خانوادگی فرد در دوران قبل از ازدواج دارد. شکل‌گیری رابطه صحیح والد-فرزند و تربیت صحیح فرزندان توسط والدین در دوران قبل از ازدواج، تعامل سازنده والدین با یکدیگر و احترام به عقاید شخصی فرزندان و همراهی و همدلی پدر و مادر با یکدیگر نه تنها الگوی خانواده سازمان یافته را به فرزندان یاد می‌دهد، بلکه از عوامل مهم تصمیم‌گیری فرزندان در رابطه با ازدواج و انتخاب همسر خواهد بود. حمایت‌های عاطفی و مالی والدین از فرزندان بعد از ازدواج و درون زندگی مشترک آن‌ها نیز به عنوان عامل مهمی در شکل‌گیری یک خانواده سالم و کارآمد قابل طرح است. البته باید توجه داشت که دخالت‌های بیجا و بی‌مورد اطرافیان و به خصوص والدین می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم و مشکل‌ساز زندگی زوجین بخصوص در سالهای اول زندگی مشترک به حساب آید. این مسأله که نشان‌دهنده عدم تمایز زوجین از خانواده‌های‌شان می‌باشد، منجر به تجربه بیشتر اختلافات خانوادگی می‌شود. از اینرو هرچه قدر که زوجین دارای استقلال فکری بیشتری درون زندگی مشترک باشند، به همان نسبت از زندگی موفق‌تری بهره‌مند خواهند بود. پایبندی متقابل زوجین به تعهدات همسری، احترام متقابل اعضای خانواده به یکدیگر، آشنایی با مهارت‌های ارتباطی مؤثر و نیز انعطاف‌پذیری بیشتر زوجین در مقابله با بحران‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی از جمله دیگر عواملی هستند که می‌تواند به ایجاد یک خانواده کارآمد و بهنجار کمک کند. جوادی (۱۳۹۰)، علی‌مندگاری و دیگران (۱۳۹۵)، آماتو^۱ (۱۹۹۶)، نالونانس^۲ (۲۰۰۷) و دانکن^۳ (۲۰۰۸) نیز در پژوهش‌هایی جداگانه به اهمیت توجه به این نکات در ایجاد ثبات و سازگاری زناشویی اشاره کرده‌اند.

در خانواده‌هایی که حریم خانواده توسط زوجین و حتی اطرافیان آن‌ها حفظ شود و مراقبت‌های اخلاقی لازم در زمینه استفاده اعضای خانواده از رسانه‌های ارتباط جمعی و فضای

1 Amato

2 Nalvnans

3 Duncan

مجازی صورت گیرد، چنین شرایطی در نوع ارتباط بین اعضای خانواده و الگوگیری فرزندان از والدین نقش مهمی ایفا می‌کند. چنانچه اعضای خانواده با هم‌فکری و همراهی یکدیگر برای گذران سالم اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی مناسب و دقیق داشته باشند، می‌توانند با ایجاد فضای گفتگو و افزایش میزان تعاملات اعضای خانواده با یکدیگر، ثبات و آرامش بیشتری را درون خانواده حکمفرما کنند. نتایج مطالعات علمی و یزدانی (۱۳۸۹)، بابایی و دیگران (۱۳۹۴)، علی مندگاری و دیگران (۱۳۹۵)، بخشی زنجیرانی (۱۳۹۵) نیز همسو با این یافته پژوهش است. در بین مشارکت‌کنندگان آن دسته از زنانی که با وجود داشتن شرایط بسیار سختی که تسهیل‌گر طلاق بوده، توانسته‌اند با همدلی و همراهی و البته صبر و شکیبایی، سختی‌های مقطعی زندگی را پشت سر گذاشته و به خوبی مسائل بحرانی و حاشیه‌های تنش‌زای زندگی را مدیریت کنند، جزء خانواده‌های موفق بودند که از عملکرد خود برای ماندن درون زندگی مشترک رضایت‌مندی بالایی داشتند، زیرا که علاوه بر ایجاد ثبات و آرامش درون زندگی مشترک چندین ساله، هم خود و هم فرزندان‌شان را از مشکلات و سختی‌های بعد از طلاق هم نجات داده‌اند. این دسته از زنان متأهل بر این عقیده بودند که اگر بنا بر تمام عیار بودن زندگی و همسر از ابتدای زندگی مشترک می‌بود، آن‌ها هم می‌بایست همان سال‌های اول زندگی مشترک، از همسرشان جدا می‌شدند. آنان بر این اعتقادند که گذر زمان بسیاری از مسائل را حل می‌کند و در سال‌های اولیه، تحمل و مدارا و صبر و سازش جزء ملزومات بسیار مهم زندگی متأهلی است. در کنار این عامل مهم، داشتن اعتماد به نفس و مدیریت زندگی توسط زوجین به همراه استفاده از نظرات پیشنهادی متخصصان و مشاورین با تجربه جزء دیگر عوامل مهم کنترل زندگی و ایجاد خانواده کارآمد و بهنجار است، خانواده‌ای که قادر است در مقابله با استرس‌های گریز ناپذیر زندگی، ضمن حفظ انسجام خانواده، به منظور تجدید ساختار خود، انعطاف‌پذیری لازم را نشان دهد. طلائیان و زهراکار (۱۳۹۴)، خادمی و عابدی (۱۳۹۳) نیز در مطالعات خود به اهمیت توجه به این نکات در ایجاد یک خانواده کارآمد و بهنجار اشاره داشته‌اند. در پایان باید اشاره کرد همانگونه که قاضی طباطبایی و علی مندگاری (۱۳۹۱) بیان کرده‌اند:

" به نظر می‌رسد که با تغییرات صورت گرفته در سطح کلی جامعه و در درون خانواده و همچنین در روابط بین زوجین، منطق خانواده ایرانی در حال عوض شدن است و زوجین در حال بازتعریفی از نقشهایی که تاکنون از آن‌ها در مدل خانواده‌های سنتی که مرد نان آور و زن خانه دار بوده، انتظار می‌رفته هستند. آن‌ها در تلاشند تا با درک متقابل یکدیگر و فهم شرایط و نقشهای متفاوتی که هر یک در جامعه و خانواده امروزی دارند به ایجاد یک رابطه متعادل، منطقی و سازنده در جهت رسیدن به اهداف مشترک در زندگی‌شان دست یابند."

به عبارتی دیگر علیرغم وجود بسترهایی که امکان طلاق را در زندگی مشترک زوجین تسهیل می‌کنند، بسته به محیط اجتماعی فرهنگی که در آن به سر می‌برند، وجود شرایطی که هر یک از زوجین را به خواسته‌ها و انتظارات‌شان درون زندگی مشترک نزدیک می‌کند-مانند؛ رضایت زناشویی، وجود فرزند، زمینه‌های حمایتی زوجین از یکدیگر، توزیع متوازن قدرت درون خانواده، سطح رفاه خانواده و عدم توانایی پذیرش و تطبیق با شرایط بعد از طلاق- منجر به این می‌شود که منافع‌های حضور درون زندگی مشترک در مقایسه با هزینه‌های ماندن در آن زندگی، پرننگ‌تر شود و به تصمیم فرد برای تداوم حضور درون زندگی مشترک کمک کند. بی‌تردید برای تداوم زندگی زناشویی زوجین و پایداری و ثبات خانواده‌ها در جامعه نیز باید سیاستی همه جانبه اندیشیده شود که سطوح متفاوت تأثیرگذار بر ایجاد این شرایط را مدنظر قرار دهد. از این رو پیشنهادات زیر برحسب یافته‌های پژوهش توصیه می‌شود.

- ترویج فرهنگ همسان‌همسری و تأکید بر لزوم شناخت صحیح خصوصیات و ویژگیهای اخلاقی-رفتاری زوجین قبل از ازدواج.
- آموزش شیوه‌ها و معیارهای صحیح همسرگزینی به زوجین در شرف ازدواج و اصلاح روشهای سنتی ازدواج و انتخاب همسر.
- آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی و آشنایی با مهارت‌های ارتباطی صحیح و مؤثر از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و ارائه راهبردهای ارتقای کارکرد خانواده، آشنایی با حقوق و تکالیف زوجین، بهداشت باروری و

- بسترسازی فرهنگی برای ایجاد زمینه مشارکت زوجین در مسئولیت‌های خانوادگی و اقتصادی و ایجاد تعادل در نقش‌ها و وظایف و زوجین درون محیط خانواده.
 - فرهنگ‌سازی در جهت پابندی همسران به ارزش‌های اخلاقی درون زندگی مشترک.
 - ترویج فرهنگ مراجعه خانواده‌ها به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات.
 - مداخلات خانواده درمانی به منظور کاهش طلاق در کشور.
- یافته‌های این پژوهش در زمینه استخراج عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر و علی ایجاد کننده خانواده کارآمد و بهنجار از میان مباحث زنان متأهل سازگاری که با مشکلات متعددی درون زندگی مشترک روبرو شده و به صورت منطقی و عقلانی آن را پشت سر گذارده‌اند، می‌تواند در راستای فرهنگ‌سازی برای رسیدن به خانواده‌هایی منسجم و بانشاط در اجتماع کمک شایان توجهی کند و برای آگاه‌سازی زوجین و خانواده‌های در معرض طلاق مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- احمدی، حبیب، مزده ثروت‌خواه و عبدالعلی لهسایی‌زاده، (۱۳۹۱). "بررسی همسان‌همسری و رفتار مرتبط با طلاق: مطالعه موردی زنان شهر شیراز"، *فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال ۶، شماره ۱۷، صص ۹۲-۶۷.
- احمدی، رضا و پرویز شریفی درآمدی (۱۳۹۳). "بررسی اثربخشی آموزش تاب‌آوری بر سلامت روان افراد مبتلا به وابستگی مواد در کانون توسکای شهر تهران"، *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، شماره شانزدهم، سال چهارم، صص ۱۷-۱.
- ادیب حاج باقری، محسن، سرور پرویزی و مهوش صلصالی (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق کیفی*، تهران، نشر و تبلیغ بشری.
- استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، (ترجمه ابراهیم افشار)، تهران: نشر نی.
- افراسیابی، حسین و رقیه دهقانی دارامرود (۱۳۹۵). "زمینه‌ها و نحوه مواجهه با طلاق عاطفی میان زنان شهر یزد"، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۲۷۱-۲۵۵.

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳). رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران*، تهران؛ آگه.
- آقا بیگولی، عباس و کامران آقاخانی (۱۳۸۶). بررسی پدیده همسرآزاری در شهر تهران در سال ۱۳۷۹، *مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران*، تهران؛ آگه.
- بابایی، ناهید؛ بلالی، اسماعیل؛ اسدالله نقدی و احمد کریمی (۱۳۹۴). "تأثیر میزان دینداری بر انسجام خانوادگی در شهر همدان"، *فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)*، دوره ۹، شماره ۴، صص ۲۶-۷.
- بخشی زنجیرانی، نجمه (۱۳۹۵). بازدارنده‌ها و تسهیل‌کننده‌های طلاق از دیدگاه زنان متأهل و مطلقه شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد.
- ثنایی، باقر، روشن، رسول، علینقی، علیرضا و مهدیه ملیانی (۱۳۹۱). "اثر بخشی زوج درمانی مبتنی بر خود نظم بخشی در ارتقاء سازگاری زناشویی دارای مشکلات زناشویی مراجعه کننده به مرکز مشاوره"، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۲۲-۲۳۳.
- جلیلیان، زهرا (۱۳۷۵). عوامل اجتماعی موثر بر درخواست طلاق در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- جوادی، علی محمد و مریم جوادی (۱۳۹۰). "گرایش به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در بین مراجعه کنندگان به دادگاه‌های خانواده در شهرستان ایوان غرب و گیلان غرب"، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران*، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- حسن زاده، صالح (۱۳۹۲). "عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی"، *پژوهش‌نامه معارف قرآنی، علوم قرآن و حدیث*، شماره ۱۵، صص ۶۸-۴۵.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- خدومی، ملوک و فاطمه عابدی (۱۳۹۳). "اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های دینی بر خوش‌بینی و سازگاری زناشویی"، *مطالعات روان‌شناختی*، شماره ۴۰، صص ۲۸-۷.
- ریاحی، محمد اسماعیل، اکبر علیوردی‌نیا و سیاوش بهرامی کاکاوند (۱۳۸۶). "تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق، مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه"، *پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۰۹-۱۴۰.

- ساروخانی، باقر (۱۳۷۶). *طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ستوده، هدایت الله و سیف‌الله بهاری (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی خانواده*. تهران: ندای آریانا.
- سراپی، حسن (۱۳۸۷). "گذار جمعیتی دوم، با نیم نگاهی به ایران"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۴۰-۱۱۸.
- صادقی، سعید (۱۳۸۰). بررسی عوامل شخصیتی مؤثر در سازگاری زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، انستیتو روان‌پزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران.
- صفدری، سلمان (۱۳۷۴). رضایت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- طلائیان، رضوانه و کیانوش زهراکار (۱۳۹۴). "بررسی التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی به عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده طلاق"، *روان‌شناسی و دین*، سال ۸، شماره ۴، صص ۱۰۷-۱۲۶.
- عزیزی، ابوطالب (۱۳۷۷). بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی دختران تحصیل کرده شاغل در سن تاخیری ازدواج بر نگرش آن‌ها در مورد همسان‌همسری: مطالعه موردی شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- علمی، محمود و کریم یزدانی (۱۳۸۹). "بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با سازگاری زناشویی در بین معلمان متأهل مدارس راهنمایی شهر مرند"، *مطالعات جامعه‌شناسی*، شماره ۸، صص ۷۶-۵۷.
- علی‌مندگاری، ملیحه (۱۳۹۳). نگرش نسبت به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در چارچوب نظریه گذار دوم جمعیتی: مطالعه موردی در شهر تهران، پایان‌نامه دکتری جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- علی‌مندگاری، ملیحه و حجیه بی‌بی رازقی نصرآباد (۱۳۹۵). "بسترهای اقتصادی مؤثر بر تصمیم‌گیری زوجین به طلاق: مطالعه موردی شهر تهران"، *پژوهش‌نامه زنان*، سال ۷، شماره ۳، صص ۱۴۵-۱۱۷.

- علی‌مندگاری، ملیحه و حجیه بی‌بی رازقی نصرآباد (۱۳۹۵). "بررسی رضایت زناشویی و عوامل جمعیتی - اجتماعی مؤثر بر آن در شهر تهران"، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال ۱۲، ویژه نامه خانواده، صص ۳۹-۱۵.
- عنایت، حلیمه و مریم سروش (۱۳۸۸). "میزان و نوع مقاومت زنان در رویارویی با ساختار قدرت در زندگی روزمره"، *پژوهش زنان*. دوره ۷، صص ۱۱۲-۸۵.
- عنایت، حلیمه، زارع، صادق و عبدالله نجفی اصل (۱۳۹۲). "بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زود هنگام در بین جوانان شهری شهر بوشهر: مقایسه دو گروه طلاق گرفته و متاهل طلاق نگرفته"، *فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال ۲، شماره ۳، صص ۳۶-۱.
- فرجی، طوبی و طلیعه خادمیان (۱۳۹۲). "بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی"، *مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال ۴، شماره ۱۰، صص ۱۰۲-۸۷.
- قادری طاهره و سمیه مردانی (۱۳۹۲). "رابطه همسان‌همسری و مطلوبیت روابط زناشویی"، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۲۹-۸۷.
- قاسمی طوسی، محمد اسماعیل و محمد فاکر میبیدی (۱۳۹۵). "تأملات اخلاقی - تربیتی پایداری خانواده مبتنی بر آیات و روایات متناظر"، *پژوهش‌نامه اخلاق*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۲۶-۷.
- قاضی طباطبایی، محمود و ملیحه علی‌مندگاری (۱۳۹۱). "بسترهای زمینه‌ساز طلاق و تأثیرپذیری آن از تغییرات نهاد خانواده در شهر تهران: مطالعه‌ای کیفی با استفاده از روش‌شناسی نظریه بنیادی"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۱۳، صص ۲۴-۷۲.
- قریب مطلق، معصومه (۱۳۹۴). بررسی بین‌سازگاری زناشویی و نشاط اجتماعی: مطالعه موردی زنان متاهل شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- قریشی، فردین؛ شیرمحمدی، داوود و آوات برجوند (۱۳۹۴). "فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته: مطالعه موردی شهر سقز"، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال ۳، شماره ۱، صص ۳۰-۱۹.
- گلدنبرگ، ایرنه و هربرت گلدنبرگ (۱۳۸۵). *خانواده درمانی*، (ترجمه؛ سیامک نقش‌بندی و حسین شاهی برواتی) تهران: روان.
- موسوی، اشرف سادات (۱۳۸۲). *خانواده درمانی کاربردی با رویکرد سیستمی*، تهران، دانشگاه الزهرا.

- نجاریان (۱۳۷۴)، عوامل مؤثر در کارآیی خانواده: بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس سنجش خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- Amato, P. R. (1996), "Explaining the Intergenerational Transmission of Divorce", *Journal of Marriage and the Family*, 58, 628-40.
- Basharpour, S & Sheykholeslami, A. (2015). "The Relation of Marital Adjustment and Family Functions With Quality of Life in Women", *Europe's Journal of Psychology*, 11(3), 432-441.
- Duncan, G D, (2008). *"The Relationship Between Trait Forgiveness and Marital Adjustment in Heterosexual Individuals"*. Unpublished doctoral dissertation, Department of social studies, Capella University, Needham Heights, Nevada.
- Ghoroghe, S, Siti Aishah, H & Mazna, B, (2015). *"Marital Adjustment and Duration of Marriage among Postgraduate Iranian Students in Malaysia"*, Published by Canadian Center of Science and Education, Vol 8.
- Glaser, B. and A. Strauss (1967). *The discovery of grounded theory*. Chicago: Aldine Press.
- Hill, R. (1945). Campus Values in Mate Selection. *Journal of Home Economics*, 37, 554-558.
- Kerisberg, L (1973). *Sociology of social conflict*, Printice-Hall Publication, New Jersey.
- Lesthaeghe, R & K. Neels (2002): "From the First to the Second Demographic Transition - An Interpretation of the Spatial Continuity of Demographic Innovation in France, Belgium and Switzerland", *European Journal of Population*, 18(4), 225-260.
- Lesthaeghe, R & van de Kaa, Dirk.J (1986). *"Twee demografische transitie? (Two demographic transitions?)"*. Bevolking - Groei en Krimp, Mens en Maatschappij, Van Loghum Slaterus, Deventer: van Loghum-Slaterus, p9-24.
- Lesthaeghe, R. (2010), *"The Unfolding Story of the Second Demographic Transition"*, Paper presented at the Conference on "Fertility in the History of the 20th Century – Trends, Theories, Public Discourses, and Policies", Akademia Leopoldina and Berlin-Brandenburgische Akademie, January 21-23.
- Lindlof T.R. and B.C Taylor (2011). *Qualitative communication research methods*, 3rd ed. London: SAGE.
- Lingren, H. G. (2003). *Marriage burn out*. University of Nebraska-Lincoln Cooperative Extension. <http://utahmarriage.org>. OR <http://stronger marriage.org/html/married/marriage-burnou>.
- Sabre, K (2016). "Marital Adjustment among Women: A Comparative Study of Nuclear and Joint Families", *The International Journal of Indian Psychology*, 3(2):26-32.
- Van de Kaa, D. J. (1987), "Europe's Second Demographic Transition", *Population Bulletin*, 42(1): 1-59.
- Van de Kaa, D. J. (2001), "Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior", *Population and Development Review*, 27, 290-331.